

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۹/۱۱/۰۸

موضوع: ضرورت خودسازی و تهذیب نفس برای موفقیت در امور دینی!

درس اخلاق

فهرست مطالب این برنامه:

اگر به مرحله ترک گناه رسیدیم، یعنی راه را پیدا کرده ایم!

یکی از بهترین کتاب‌ها برای شناختن گناه و رذائل اخلاقی!

نمونه‌هایی از منحرفین شاخص و مطرح در عصر ائمه (علیهم السلام)

این چهار نفر باید آئینه عبرت طلاب باشند!

یک خواهش دوستانه از مسئولین پرورشی حوزه‌های علمیه!

این مراحل، رفتنی و دیدنی است، خواندنی و شنیدنی نیست!

این روایت طلاست، گوهر است!!

این زمان، وقت اختصاصی خداوند است برای بندگان خاص!

وقتی نماز می‌خوانیم یا دعا می‌کنیم، باید اینگونه باشیم!

نمازی در شب جمعه، برای برآورده شدن حاجات!

پاسخ به چند شبهه و سؤال!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم. ما در جلسات گذشته اشاره کردیم بر اینکه یکی از بهترین یا منحصر بفردترین راه رسیدن به کمال، ترک گناه است.

اگر به مرحله ترک گناه رسیدیم، یعنی راه را پیدا کرده ایم!

مادامی که یک عبد، اعضا و جوارح قلبیه و قلبیه اش آلوده به گناه است، نه عبادت او عبادت است و نه درس و بحث او درس و بحث است.

این عبادت‌ها و درس‌ها و بحث‌ها تا پاکیزه نباشد، در پیشگاه حضرت ولی عصر (اروحنا فداه) مقبول نیست و نزد خداوند عالم هم برای ما چیزی عائد نمی‌شود.

بنابراین ما باید با تمام توان تلاش و کوشش کنیم در طول روز و شب به هیچ وجه گناه و معصیتی مرتکب نشویم. همچنین باید سعی کنیم مکروهی از ما سر نزنند و تمام مباح‌هایمان را هم با نیت تقرباً إلى الله به عمل مستحبی مبدل کنیم.

اگر به این مرحله رسیدیم، راه را پیدا کردیم. کسی که راه را پیدا کرد، به مقصد می‌رسد. مادامی که کسی راه و در را پیدا نکرد، به جایی نمی‌رسد.

نقل شده است عارفی می‌رفت که دید شخص نابینایی پشت در آمده و کلید ندارد. این شخص التماس می‌کرد و از مردم درخواست می‌کرد که در را برایم باز کنید.

شخص عارف به او گفت: خوشا به حالت که در را پیدا کردی. ما که عمری است می‌گردیم، اما هنوز نتوانستیم در را پیدا کنیم.

بنابراین بنده از همه اساتید بزرگوار و طلاب عزیز و گرامی و فرزندان عزیزم درخواست می‌کنم که اگر واقعاً می‌خواهند به مرحله‌ای برسند که برای اسلام و شریعت نافع باشند، خیلی باید روی این قضیه پافشاری کنند.

یکی از بهترین کتاب‌ها برای شناختن گناه و رذائل اخلاقی!

عرض کردم کتاب «معراج السعادة» اثر «مرحوم نراقی» یکی از بهترین کتاب‌ها برای شناختن گناه و رذائل اخلاقی و راه‌های برطرف کردن آن رذائل اخلاقی است. ما در دعاهای ماه رمضان بسیار از خداوند عالم می‌خواهیم و می‌گوییم:

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَ صِدْقَ النِّيَّةِ وَ عِزْفَانَ الْخُرْمَةِ»

البلد الأمين و الدرع الحصين، نویسنده: کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، ص ۳۴۹، باب دعاء آخر مروی
عن المهدي ع أيضاً

اصلاً شناختن محرمات خود مسئله مهمی است. چه بسا انسان عملی را انجام می‌دهد، اما به آن توجه ندارد. همانطور که قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ هُمْ يَخْسِبُونَ أَنَّهُمْ يَخْسِئُونَ صُنْعاً)

با اینحال گمان می‌کنند کار نیک انجام می‌دهند!

سوره کهف (۱۸): آیه ۱۰۴

افراد تصور می‌کنند که دارند کار خوب انجام می‌دهند، اما بعد از اینکه مدتی می‌گذرد متوجه می‌شوند همین کاری که تصور می‌کردند خوب هست گناهی بیش نبود!

ببینیم در طول تاریخ در عصر ائمه اطهار و بعد از آن کسانی که واقعاً به جایی رسیده‌اند، کسانی بودند که مراقب اعمال و رفتار خودشان بودند. بعضی افراد بودند که حتی در مکتب امام تربیت شدند، اما نتوانستند اخلاق اسلامی را پیدا کنند.

نمونه هایی از منحرفین شاخص و مطرح در عصر ائمه (علیهم السلام)

مشاهده کنید «اسماعیل» فرزند امام صادق (علیه السلام) است، در حالی که روایات متعددی از امام صادق در مذمت فرزندش آمده است. ما کاری با پسر حضرت نوح نداریم، آن‌ها متعلق به ادیان گذشته است.

همچنین «جعفر کذاب» عموی حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) و برادر امام هادی (علیه السلام) بود. او وقتی خود را نساخت، تزکیه نکرد ولو اینکه فرزند و برادر امام هم بود به انحراف کشیده شد.

در عصر غیبت امثال «شلمغانی‌ها» هستند و توقیعاتی که از حضرت ولی عصر در لعن آنها وارد شده است.

در طول تاریخ هم مشاهده کنید تمام بنیانگذاران فرق باطله افرادی بودند که در همین حوزه‌های علمیه یا حتی بعضاً در مکتب ائمه اطهار بودند.

بنده هرگاه شرح حال فرقه واقفیه را نگاه می‌کنم، به خداوند عالم پناه می‌برم که خداوند عاقبت ما را ختم بخیر کند تا گرفتار این قضایا نشویم.

مشاهده کنید «علی بن ابی حمزه بطائنی» و «زیاد بن مروان قندی» وکیل تام الاختیار امام بودند که مقام و سعادت بالتر از این برای کسی نیست.

در مقابل این افراد به جهت اینکه یک سری از اموال سهم امام را تصرف کنند، مذهب واقفیه را تأسیس کردند و در برابر امام هشتم ایستادند و مقاومت کردند و ادعا کردند که حضرت موسی بن جعفر به ما وصیت کرده پول‌ها را به کسی ندهیم.

آن‌ها ادعا می‌کردند حضرت موسی بن جعفر، امام مهدی است. حضرت به ما وصیت کرده است پول‌ها را نگهدارید تا هرگاه ظهور کردم پول‌ها را به من بدهید تا آنها را خرج کنم.

وقتی تزکیه نباشد و تربیت‌های واقعی اسلامی نباشد و مراقبت اعمال قلبی و قالبی نباشد، انسان سر از کجا درمی‌آورد! واقعاً به خدا پناه می‌بریم. همیشه باید عاقبت بخیری را از خداوند بخواهیم. باید یکی از بهترین دعا‌های ما در شبانه روز این باشد:

« رَبِّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا »

خدایا ما را یک چشم بهم زدن به خودمان و نفسمان وا مگذار.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۵۸۱، ح ۱۵

همانطور که قرآن کریم می‌فرماید:

(إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالشُّوْءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي)

نفس (سرکش)، بسیار به بدیها امر می‌کند مگر آنچه را پروردگارم رحم کند.

سوره یوسف (۱۲): آیه ۵۳

حضرت یوسف علی رغم عظمت و مبارزاتشان در برابر هواهای نفسانی که تمام عالم هستی را مبهوت کرده

است، می‌فرماید: (إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالشُّوْءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي)

این چهار نفر باید آئینه عبرت طلاب باشند!

در طول تاریخ هم افرادی از این قبیل زیاد داشتیم به طوری که در عصر خودمان هم شاهد این گونه افراد بودیم.

به عنوان مثال آقای «شیخ حسین مؤید» در حوزه علمیه قم درس خارج تدریس می‌کرد به طوری که دویست نفر از طلاب در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی پای درس او می‌نشستند.

شاگردان ایشان در حجره‌ها جا نمی‌گرفتند و در نهایت ایشان در مسجد تدریس می‌کرد. «شیخ حسین مؤید» عضو رسمی بعثه آیت الله العظمی فاضل لنکرانی بود.

هواهای نفسانی ایشان را به جایی کشاند که ابتدا از قم به اردن رفت، با پادشاه اردن ملاقات کرد و دست از تشیع کشید و به مذهب اهل سنت روی آورد. او سپس به عربستان سعودی رفت و وهابی شد.

در حال حاضر می‌بینید که ایشان در شبکه‌های وهابی نظیر «شبکه وصال» و دیگر شبکه‌ها هر هفته چند جلسه علیه شیعه و اهل بیت صحبت می‌کند.

بینید بحث عاقبت بخیری و تسلط به نفس چقدر اهمیت دارد. ممکن است خدای ناکرده تک تک شما به مرحله‌ای برسید که مجتهد شوید، مرحله‌ای که عوام از شما تقلید کنند. حال از کجا معلوم که ما به سرنوشت «شیخ حسین مؤید» دچار نشویم.

در حال حاضر شاید صحبت‌های ایشان علیه شیعه در ماهواره‌های وهابی از صد کارشناس وهابی مخرب‌تر باشد.

همچنین مدرسه آیت الله مجتهدی در تهران تقریباً در تربیت طلاب، مدرسه‌ای نمونه است. تعدادی از شاگردان این مدرسه در «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» بیش از بیست سال است که با ما کار می‌کنند.

بنده در طول این بیست سال یک مکروه از این افراد ندیدم، به این معنا که این مدرسه اینقدر افراد ساخته شده تربیت کرده است.

امیدواریم همه عزیزان ما و «حاج آقا مهدوی» و دیگر اساتید، کارهای بزرگانی همانند آیت الله مجتهدی را الگو قرار بدهیم. باید بیندیشیم که چکار کنیم طلبه‌هایی مثل ایشان را تربیت کنیم و از حوزه فارغ التحصیل شوند.

فردی به نام «سید مهدی موسوی» یکی از طلبه‌های مدرسه آیت الله مجتهدی بود. ایشان یک سری مباحثی لا به لای بحث‌های خود بیان می‌کرد.

آیت الله مجتهدی متوجه می‌شود که ایشان قدری انحراف عقیدتی دارد و در نهایت از مدرسه اخراج می‌شود و به «مدرسه مروی» می‌رود. «سید مهدی موسوی» برای مقطع دکتری به مالزی رفت، اما در حال حاضر رسماً وهابی شده است.

در حال حاضر «شبکه کلمه» یکی از وقیح‌ترین شبکه‌های وهابی علیه شیعه است و درآمد آن به طور مستقیم از طرف «محمد بن سلمان» پرداخت می‌شود. «سید مهدی موسوی» هفته‌ای چند جلسه در این شبکه علیه شیعه حرف می‌زند.

ایشان با رفقا و هم حجره‌ای‌ها و سایر طلبه‌های مدرسه تماس می‌گیرد و می‌گوید که مذهب شیعه باطل است، بیا بیا به طرف اهل سنت و وهابیت گرایش پیدا کنید.

شما می‌توانید سوابق آقای «کدیور» را ببینید و اوضاع و احوال کنونی ایشان را هم مشاهده کنید. همچنین علی رغم سوابق آقای «عابدینی» در اصفهان ببینید که ایشان در حال حاضر در برابر ائمه اطهار ایستاده و منکر مقدسات شیعه شده است.

یک خواهش دوستانه از مسئولین پرورشی حوزه های علمیه!

بنده خطاب به عزیزانی که مسئولیت پرورشی دارند و همچنین همه اساتید می‌گویم که دستشان را می‌بوسم و تقاضا می‌کنم در لا به لای درس‌ها یک روایت اخلاقی مطرح کنند. چه بسا یک روایت اخلاقی زندگی یک طلبه را زیر و رو کند.

اساتید وظیفه دارند طلاب را نصیحت کنند، به طوری که نصیحت‌ها تنها به درس‌های اخلاق منحصر نشود. طلبه نسبت به استادش نظر خاصی دارد و تأثیرگذاری شاگرد از استاد به مراتب بالاتر از تأثیرگذاری‌اش از پدر و مادر است.

بنابراین من از همه عزیزان خواهش و تقاضا می‌کنم هر روز یا یک روز در میان یا هفته‌ای یک بار، به طلاب درس اخلاق بدهند. معمولاً ما در دورانی که سطح می‌خواندیم، اساتید ما روزهای چهارشنبه پانزده دقیقه آخر کلاس به ما درس اخلاق می‌گفتند.

آیت الله العظمی علوی گرگانی، آیت الله خزعلی و آیت الله العظمی فاضل لنکرانی که دروس کفایه و مکاسب خدمت این آقایان بودیم، چهارشنبه‌ها یک ربع آخر کلاس را به درس اخلاق اختصاص می‌دادند.

این دروس علاوه بر درس‌های اخلاقی بود که در حوزه علمیه تدریس می‌شد. آیت الله مشکینی هر هفته درس اخلاق داشتند، به طوری که دو سه هزار نفر پای درس ایشان شرکت می‌کردند.

همچنین «شهید قدوسی» و افرادی دیگری هم در حوزه علمیه درس اخلاق هفتگی داشتند. همچنین بعضی اساتید هم اصلاً موضوع بحثشان در حوزه علمیه مباحث اخلاقی بود.

بنابراین ما باید دقت کنیم که اگر می‌خواهیم به کمالاتی برسیم و تأثیرگذار باشیم و برای اهل بیت خدمتگذار باشیم و حضرت ولی عصر از ما راضی باشد، شرط اول این است که گناهان را بشناسیم و از گناهان اجتناب کنیم و خودمان را برای اهل بیت ملتزم کنیم.

این مراحل، رفتنی و دیدنی است، خواندنی و شنیدنی نیست!

باید تلاش کنیم خواب ما، خوردن ما و حتی زمانی که می‌خواهیم برای تجدید وضو برویم نیت کنیم قربهٔ اِلَى الله باشد. باید عملمان را خالص برای خداوند قرار دهیم و حبا لله باشد. رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

«مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَزْبَعِينَ يَوْمًا فَجَزَّ اللَّهُ يَتَابِعَ الْحِكْمَةَ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ»

اگر کسی چهل روز تمام اعمالش خالص برای خدا باشد، خداوند عالم قلب او را برای علوم الهی باز می‌کند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۶۷، ص ۲۴۹، ح ۲۵

علوم الهی هم علمی نیست که در حوزه‌ها قابل تدریس باشد. به تعبیر «شهید مطهری» آن مراحل رفتنی و دیدنی است، خواندنی و شنیدنی نیست! همانطور که قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يَعْلَمُكُمْ اللَّهُ)

از خدا به پرهیزید و خداوند به شما تعلیم می‌دهد.

سوره بقره (۲): آیه ۲۸۲

تقوا هم در یک جمله ترک گناه و اتیان واجبات است تا خداوند عالم به شما علم عطا کند و چشم برزخی شما باز شود.

اگر ما به آنجا هم نرسیدیم، حداقل به مرحله‌ای برسیم که بر نفسمان مسلط شویم و اسیر نفسمان نباشیم تا به هر طرف خواست ما را بکشاند.

در این زمینه هم بنده روایتی به ذهنم آمد که الآن برای دوستان بخوانم. این روایت خیلی تکان دهنده است، به طوری که اگر ما بخواهیم گناه هم نکنیم باید از خداوند عالم کمک بگیریم.

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَ صِدْقَ النِّيَّةِ وَ عِزْفَانَ الْخُرْمَةِ»

باید از خداوند متعال بخواهیم و بگوییم: خدایا خودت به ما کمک کن که اتیان واجبات کنیم. خدایا خودت به ما کمک کن که گناه نکنیم. خدایا خودت به ما کمک کن که اتیان واجبات کنیم.

این روایت طلاست، گوهر است!!

«کلینی» در کتاب «کافی» جلد ۲ صفحه ۴۳۵ حدیث ۱۱ روایتی از قول امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند. عزیزان این روایت را خوب گوش کنید، زیرا به نظر بنده این روایت طلاست، گوهر است؛ اگر بتوانیم پیام روایت را درک کنیم. حضرت فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْحَىٰ إِلَىٰ دَاوُدَ عَ أَنْ ائْتِ عَبْدِي دَانِيَالَ فَقُلْ لَهُ إِنَّكَ عَصَيْتَنِي فَغَفَرْتُ لَكَ وَ عَصَيْتَنِي فَغَفَرْتُ لَكَ وَ عَصَيْتَنِي فَغَفَرْتُ لَكَ فَإِنْ أَنْتَ عَصَيْتَنِي الرَّابِعَةَ لَمْ أُغْفِرْ لَكَ»

خداوند عالم به حضرت داود وحی کرد که نزد بندهام دانیال برو و به او بگو که تو گناه کردی و من تا سه مرتبه گناهت را بخشیدم. اگر بار چهارم گناه کنی نخواهم بخشید.

ما قبلاً هم عرض کردیم در روایات آمده است که گاهی اوقات بندهای گناه می‌کند و خداوند می‌فرماید: به عزت و جلالم که او را نمی‌بخشم.

ما نمی‌دانیم در طول روز چه گناهی از ما سر می‌زند که خداوند عالم در پایان گناه می‌نویسد که این گناه دیگر بخشیدنی نیست!

«فَأَتَاهُ دَاوُدُ عَ فَقَالَ يَا دَانِيَالَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكَ وَ هُوَ يَقُولُ لَكَ إِنَّكَ عَصَيْتَنِي فَغَفَرْتُ لَكَ وَ عَصَيْتَنِي فَغَفَرْتُ لَكَ وَ عَصَيْتَنِي فَغَفَرْتُ لَكَ فَإِنْ أَنْتَ عَصَيْتَنِي الرَّابِعَةَ لَمْ أُغْفِرْ لَكَ»

حضرت داود نزد دانیال نبی آمد و فرمود: خداوند عالم به تو فرمود سه مرتبه گناه کردی و من تا سه مرتبه گناهت را بخشیدم. اگر بار چهارم گناه کنی نخواهم بخشید.

«فَقَالَ لَهُ دَانِيَالُ قَدْ أَبْلَغْتَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ»

دانیال نبی به حضرت داود عرض کرد: پیام را رساندی و من شنیدم.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۴۳۵، ح ۱۱

این زمان، وقت اختصاصی خداوند است برای بندگان خاص!

بنده عرض کردم یکی دو ساعت قبل از اذان صبح وقت اختصاصی است و خداوند عالم هر بنده‌ای را که دوست داشته باشد، در آن ساعت بیدار نگه می‌دارد. هرکسی توفیق بیداری قبل از اذان صبح و مناجات قبل از اذان صبح را ندارد.

«وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ»

سوره آل عمران (۳): آیه ۱۷

خیلی مهم است. زمانی که فرزندان حضرت یعقوب عرضه داشتند:

(يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ)

پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطاکار بودیم.

سوره یوسف (۱۲): آیه ۹۷

حضرت پاسخ داد:

(قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي)

گفت به زودی برای شما از پروردگارم آمرزش می‌طلبم.

سوره یوسف (۱۲): آیه ۹۸

بنده قبلاً هم به اساتید بزرگوار، سروران عزیزم و طلاب عرض کردم که تلاش کنید یک ساعت یا نیم ساعت قبل از اذان صبح نافله شب را با آداب بخوانید. اگر نمی‌توانید این کار را انجام دهید، تلخیص آن را بخوانید.

اگر خوابتان می‌آید در حال راه رفتن شروع به خواندن نافله شب کنید و آن را ترک نکنید. در گوشه‌ای سر بر دیوار بگذارید و پیشانی‌تان را روی مهر بگذارید و تلاش کنید قطره اشکی از چشمتان بیاید. این قطره‌های اشک شما را در دنیا و آخرت بیمه می‌کند.

یکی از بهترین چیزهایی که باعث می‌شود انسان گناه و معصیت مرتکب نشود و مورد توجه حضرت ولی عصر قرار بگیرد، گریه‌ها و مناجات سحر است.

یکی از فقرات نامه‌ای که حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) به «شیخ مفید» می‌نویسد: ما ناظر مناجات‌های شبانه تو هستیم.

مناجات شبانه به قدری ارزشمند است که حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) آن را به عنوان یکی از ویژگی‌های خوب و صفات پسندیده «شیخ مفید» می‌شمارد. تلاش کنیم حضرت ولی عصر شاهد مناجات سحریه و گریه‌های ما باشد.

بنده به دوستان توصیه می‌کنم بعد از نماز شب از دعای حزین منسوب به امام سجاد (علیه السلام) که در «مفاتیح الجنان» هم موجود است، غافل نشوند. تک تک فقرات این دعا اندام‌های بدن انسان را می‌لرزاند.

بنده گمان نمی‌کنم کسی با نیت دعای حزین را بخواند و اشک از چشمانش جاری نشود، مگر اینکه دیگر واقعاً مصداق بارز آیه شریفه:

(حَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ)

خدا بر دلها و گوشهای آنان مهر نهاده، و بر چشمهای آنها پرده افکنده شده، و عذاب بزرگی در انتظار آنها است.

سوره بقره (۲): آیه ۷

شده باشد. این دعا خیلی فقرات عجیبی دارد و خیلی جانسوز است. بنده معتقدم این دعا از دعای کمیل و دعای ابو حمزه ثمالی هم بیشتر انسان را می‌لرزاند و قلب انسان را به لرزه درمی‌آورد. در هر صورت در روایت آمده است:

«فَقَالَ لَهُ دَانِيَالُ قَدْ أَلْبَغْتَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ»

دانیال نبی به حضرت داود عرض کرد: پیام را رساندی و من شنیدم.

«فَلَمَّا كَانَ فِي السَّحْرِ قَامَ دَانِيَالُ فَنَاجَى رَبَّهُ»

زمانی که سحر فرارسید، دانیال شروع به مناجات با خدای خود کرد.

«فَقَالَ يَا رَبِّ إِنَّ دَاوُدَ نَبِيَّكَ أَخْبَرَنِي عَنْكَ أَنَّنِي قَدْ عَصَيْتُكَ فَعَفَرْتَ لِي وَ عَصَيْتُكَ فَعَفَرْتَ لِي وَ عَصَيْتُكَ فَعَفَرْتَ لِي وَ عَصَيْتُكَ الرَّابِعَةَ لَمْ تَغْفِرْ لِي»

پروردگارم! پیامبرت حضرت داود خبر داد که بار اول گناه کردم و مرا بخشیدی، بار دوم گناه کردم و مرا بخشیدی، بار سوم گناه کردم و مرا بخشیدی. اگر بار چهارم گناه کنم مرا نخواهی بخشید.

«فَوْ عَزَّتْكَ لَيْنٌ لَمْ تَعْصِمْنِي لِأَعْصِيكَ ثُمَّ لِأَعْصِيكَ»

به عزت و جلالت قسم اگر خودت مرا از گناه کردن باز نداری باز گناه خواهم کرد، باز گناه خواهم کرد، باز گناه خواهم کرد!

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۴۳۵، ح ۱۱

به این روش انقطاع کامل می گویند. همانطور که در مناجات شعبانیه می خوانیم:

«إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ»

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: اعلمی،

علاءالدین، ص ۴۹، الفصل الثانی فی بیان أعمال کل یوم من أيام شعبان

این بالاترین مرحله توحید است و بدان معناست که ما همه چیز خود را از آن حق بدانیم و خودمان را عین ربط به خداوند و عین حضور خداوند بدانیم.

بنده قبلاً هم گفتم صور ذهنیه ما عین حضور ماست. در حال حاضر شما صورت پدرتان برادرتان یا دوستتان را در ذهنتان می آورید. مادامی که این صور در ذهن شما هست، وجود دارد. اگر ذهن شما به جای دیگر رفت، این صور از ذهن شما پاک شد و رفت.

ما هم نسبت به خداوند عالم این چنین هستیم و همانند صور ذهنیه عین ربط به خداوند هستیم. همچنان که می گوییم: «لا حول و لا قوة إلا بالله».

این در حقیقت کمال توحید است که خداوند عالم به کسی عنایت کند که تمام حرکات و سکانات و فکر و هوش و درس و بحث و نماز و همه و همه را از خداوند عالم بداند.

وقتی نماز می‌خوانیم یا دعا می‌کنیم، باید اینگونه باشیم!

ما گاهی اوقات که دعا می‌کنیم و چند رکعت نماز می‌خوانیم، احساس می‌کنیم از خداوند چیزی طلب داریم طوری که اگر حاجات ما کمی دیر شود، عصبانی می‌شویم. اصلاً باید وقتی نماز می‌خوانیم یا دعا می‌کنیم، یکی از ویژگی‌های ما این باشد:

«اللَّهُمَّ أذْنَتِي فِي دُعَائِكَ وَ مَسْأَلَتِكَ»

خدایا از تو ممنونم که به من اذن دادی با تو مناجات کنم.

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: اعلمی،
علاءالدین، ص ۸۷، الفصل الخامس فی أعمال لیالی و أيام شهر رمضان المبارک

اول نماز زمان وقتی که می‌گوییم:

(إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)

نماز و تمام عبادات من و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است.

سوره انعام (۶): آیه ۱۶۲

قبل از اینکه نماز را شروع کنیم، خدا را شکر کنیم و بگوییم که خدایا از تو ممنونیم که بر ما منت گذاشتی و تفضل کردی و توفیق خواندن نماز و اجازه مناجات با خودت را دادی.

مشاهده کنید بنده‌ای این چنین نماز بخواند و بنده دیگری هم به جهت اینکه تکلیف ساقط شود نماز بخواند. همچنین بنده دیگری هم وقتی با حضور و گریه نماز می‌خواند، احساس می‌کند که منت بر سر خداوند گذاشته و از خداوند چیزی طلبکار است!

نمازی در شب جمعه، برای برآورده شدن حاجات!

نمازی در شب جمعه وارد شده که نماز حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) است. حضرت می‌فرماید: هرکسی حاجتی دارد و این نماز را بخواند حاجت او حتماً و البته و قطعاً برآورده می‌شود، مگر اینکه حاجت او در قطع رحم باشد.

کیفیت نماز چنین است که نیم ساعت بعد از نیمه شب جمعه انسان غسل کند، وضو بگیرد و دو رکعت نماز بخواند و در رکعت اول و دوم (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) را صد مرتبه بخواند. در آخر نماز دعای زیبایی وارد شده است که معنای آن چنین است:

« اللَّهُمَّ إِنِّي اطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَ هُوَ التَّوْحِيدُ، وَ لَمْ اَعْصِكَ فِي أَكْثَرِ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَ هُوَ الشُّكُوكُ »

خدایا! یکی از بهترین کارهایی که موفق به انجام آن شدم، این است که به تو ایمان آوردم و از شرک اجتناب کردم.

الإقبال بالأعمال الحسنة (ط- الحديثة): نویسنده: ابن طاووس، علی بن موسی، تاریخ وفات مؤلف: ۶۶۴ ق، محقق / مصحح: قیومی اصفهانی، جواد، ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۶ ش، نوبت چاپ: اول؛ ج۱، ص ۱۳۱

دوستان عزیز باید تلاش کنیم همه چیزمان را از آن خداوند بدانیم. ایمان، ولایت، توفیق، درس، بحث، سلامتی و نعمت‌های دیگر را مدیون باشیم.

مشاهده کنید افراد زیادی هستند که از داشتن چشم محروم هستند. افرادی هستند که از داشتن گوش محروم هستند. افرادی هستند که از داشتن دست و پا محروم هستند. افرادی هستند که از نعمت ولایت و ایمان به خداوند و توحید محروم هستند.

ما هرچه بخواهیم نعمت‌های الهی را بشماریم، قابل شمارش نیست. بنابراین باید تلاش کنیم خودمان را عین ربط به خداوند و عین حضور خداوند بدانیم.

این جمله را مرحوم آیت الله شاه آبادی استاد زاده امام می‌فرمودند و تکه کلامشان این جمله بود. ایشان می‌فرمودند که ما باید همیشه خودمان را عین ربط به خداوند بدانیم، نه در محضر خداوند متعال. این همانند صور ذهنیه ای است که بیان کردم.

پاسخ به چند شبهه و سؤال!

در جلسه گذشته هم دوستان سؤالات زیادی مطرح می‌کردند. اگر عزیزان سؤال دارند، ما بیست دقیقه آخر جلسه را به سؤالات یا شبهات عزیزان اختصاص بدهیم.

اگر سؤال یا شبهه‌ای در مسائل اخلاقی و عقیدتی دارید، ما به حول قوه الهی در حد توان خود در خدمت عزیزان هستیم. در جلسه آخر چند تن از عزیزانمان سؤال پرسیدند، اما فرصت نشد که ما به سؤالات عزیزان پاسخ بدهیم.

اگر عزیزان سؤال یا فرمایشی دارند، به صورت متن برای ما بفرستند. همچنین اگر عزیزان تمایل دارند صحبت کنند، علامت دست را لمس کنند و مطلب خود را صوتی برای ما بیان کنند.

پرسش ۱:

حاج آقا سؤالی داشتیم که مدت‌ها ذهنم را مشغول کرده است. با توجه به شرایطی که به قول معروف نظام مدرنیته و جدید بر جهان حاکم کرده است، هم من و هم مردم را بر این داشته است که مردم مثل ربات شوند. آن‌ها حدودی را برای مردم مشخص کردند که شرع اینطور مطرح نمی‌کند و با توجه به نظامی که هست مجبورمان می‌کند که به حدود تن بدهیم. حاج آقا می‌خواستم ببینم چطور باید از اسلام خارج نشویم؟!

پاسخ:

برادر عزیزم! با توجه به بعضی از مسائلی که بزرگان و عرفا می‌بینند و روایاتی که داریم، نمی‌خواهیم جزء توقیتیان باشیم و وقت معین کنیم.

انسان وقتی روایات و علائم ظهور حضرت ولی عصر را می‌بیند، احساس می‌کند که دنیا برای تشریف آوردن حضرت ولی عصر آماده می‌شود. در حال حاضر مردم دنیا با این کارهایشان تشنه عدالت مهدوی هستند.

غرض اینکه همه این مسائل زمینه ساز این است که خداوند متعال مقدمات ظهور حضرت ولی عصر را زودتر فراهم کند و موانع فرج را برطرف کند تا ان شاءالله ما شاهد ظهور آن بزرگوار باشیم.

مادامی که جهان آماده نباشد و مردم جهان تشنه عدالت واقعی نباشند و تصور کنند همین حکومت‌ها عدالت حداقلی را پیاده می‌کنند، قطعاً فرج صورت نخواهد گرفت. یکی از شرایط فرج، آمادگی مردم و تشنگی مردم از عدالت واقعی و مساوات واقعی است.

ما در این زمینه روایات زیادی داریم. در روایت آمده زمانی می‌آید که حیرت همه را می‌گیرد و مردم نمی‌دانند چکار کنند. بهترین راه در آن زمان توسل به ساحت مقدس حضرت ولی عصر و دعا برای فرج هست.

«وَ أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»

برای فرج حضرت ولی عصر زیاد دعا کنید، زیرا فرج شما هم در فرج حضرت ولی عصر است.

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج

۲، ص ۴۸۵، ج ۴

همانطور که امام حسن عسکری (علیه السلام) می‌فرمایند: دعا برای فرج حضرت ولی عصر باید طوری با سوز دل باشد، همانطور که مادری تنها فرزندش مریض شده و از همه جا قطع امید کرده است.

با همان کیفیتی که این مادر با سوز دل گریه می‌کند و شفای فرزندش را از خداوند عالم می‌خواهد، دعا برای حضرت ولی عصر هم باید این چنین باشد.

پرسش ۲:

در رابطه با تاریخ وفات حضرت أم البنین صحبت کنید.

پاسخ:

اگر بخواهیم در رابطه با تاریخ وفات حضرت أم البنین (سلام الله علیها) صحبت کنیم، یک ساعت طول می‌کشد. ما از حضرت أم البنین قبل از ازدواج با حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) اطلاعات چندانی نداریم.

ما تنها همینقدر را می‌دانیم که حضرت أم البنین خانواده‌ای متدین و شاخص و محب و مرید و عاشق اهل بیت داشت. هر فضائی که حضرت أم البنین کسب کرده است، در محضر امیرالمؤمنین بوده است.

حضرت أم البنین محبت زیادی به فرزندان حضرت فاطمه زهرا داشت و فرزندان تربیت کرد که همگی از مفاخر اسلام شدند و در کربلا افتخار آفریدند.

آن بزرگوار بعد از واقعه کربلا هم یکی از مبلغان سختکوش فرهنگ اهل بیت بود، به طوری که هر جایی علیه دودمان بنی امیه حرف می‌زد و صحبت و سخنرانی می‌کرد.

بعضی از آقایان معتقدند که حضرت أم البنین را با خرمای مسموم شهید کردند و جزو زنان شهیده شد. بنده عرض کردم صحبت کردن در رابطه با حضرت أم البنین وقت بیشتری می‌طلبد.

پرسش ۳:

می‌گویند نظر امام خمینی بر وفات پیغمبر اکرم بوده است. آیا این قضیه درست است؟!

پاسخ:

عزیزم «وفات»، «فوت»، «موت»، و «شهادت» با همدیگر منافات ندارد. ما در کتب شیعه روایات زیادی در خصوص "وفات علی بن ابی طالب" یا "وفات امام حسین" داریم.

معنای عامیانه «وفات» یعنی انتقال از این دنیا به دنیای دیگر. معنای واقعی کلمه «توفی» یعنی آنچه شایسته هست به نحو احسن یا وفا کردن بر آنچه وعده داده شده و عمل شده است.

«موت» هم به همین معناست. به عنوان مثال در رابطه با حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در بعضی از روایات آمده است:

«فَأَلْقَتْ جَنِينًا مِنْ بَطْنِهَا فَلَمْ تَزَلْ صَاحِبَةً فِرَاشٍ حَتَّى مَاتَتْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهَا مِنْ ذَلِكَ شَهِيدَةً»

کتاب سلیم بن قیس الهمدانی، نویسنده: هلالی، سلیم بن قیس، محقق / مصحح: انصاری زنجانی

خوئینی، محمد، ناشر: الهادی، قم، ۱۴۰۵ق؛ ج ۲، ص ۵۸۸

واژه «وفات» با واژه «شهادت» هیچ تفاوتی ندارد. همچنین از میان کتب اهل سنت ما الی ماشاءالله روایت در خصوص شهادت رسول گرامی اسلام داریم.

یکی از کارهایی که «حاج آقا مهدوی» باید در خصوص آن بزرگواری کنند، این است که نسبت به آموزش‌های کامپیوتری و تسلط به کامپیوتر کلاس‌هایی برگزار کنند.

در کتاب «مصنف» اثر «عبدالرزاق صنعانی» استاد «بخاری» روایتی در این زمینه نقل شده است.

ایشان در جلد پنجم روایتی از قول «عبدالله بن مسعود» نقل می‌کند و می‌گوید: اگر من نه بار قسم بخورم پیغمبر اکرم به شهادت رسیده بهتر از این است که یک مرتبه قسم بخورم حضرت با مرگ طبیعی از دنیا رفته است. خداوند پیغمبر را شهید از دنیا بردند.

در کتاب «مسند أحمد بن حنبل» هم همین روایت آمده است. همچنین «هیثمی» در کتاب «مجمع الزوائد» همین عبارت را می‌آورد و می‌گوید:

«لأن أكلت تسعا أن رسول الله قتل قتلا»

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علی بن أبی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار
الکتاب العربی - القاهرة، بیروت - ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۳۴، باب فی وداعه

همچنین روایتی از قول «شعبی» یکی از بزرگان اهل سنت در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد سوم نقل
شده است که می‌گوید:

«والله لقد سم رسول الله»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر:
دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳،
ص ۶۱، ح ۴۳۹۵

از میان علمای شیعه هم «مرحوم شیخ مفید (رضوان الله تعالی علیه)» در کتاب «المقنعة» می‌نویسد:

«و قبض بالمدينة مسموما»

المقنعة، نویسنده: مفید، محمد بن محمد، ص ۴۵۶، باب ۱ باب نسب رسول الله ص و تاریخ مولده و
وفاته و موضع قبره الشریف علیه الصلاة و السلام

«شیخ طوسی» در کتاب «تهذیب الأحکام» می‌نویسد:

«و قُبِضَ بِالْمَدِينَةِ مَسْمُومًا»

تهذیب الأحكام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج ۶،
ص ۲، بَابُ نَسَبِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ تَارِيخِ مَوْلِدِهِ وَ وِفَاتِهِ وَ مَوْضِعِ قَبْرِه

این که در بعضی از منابع واژه «وفات» آمده است، چیز مهمی نیست که آقایان ادعا کنند چرا کلمه «وفات» را آورده‌اند. اهل سنت هم همین تعبیر را دارند. در کتاب «کشف الغمة» اثر «مرحوم اربلی» آمده است:

«وَ كَانَ مَعَ أَخِيهِ الْحَسَنِ بَعْدَ وِفَاتِهِ أَبِيهِ ع»

امام حسین بعد از وفات پدرش با امام حسن ده سال بودند.

کشف الغمة فی معرفة الأئمة، نویسنده: اربلی، علی بن عیسی، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید
هاشم، ج ۲، ص ۴۰، باب العاشر فی عمره ع

همانطور که امام حسین بعد از وفات امام حسن هم ده سال زندگی می‌کردند. همچنین در کتاب «کامل
الزیارات» آمده است:

«إِنَّ أُمَّتِي سَتَفْتُلُهُ فَمَنْ زَارَهُ بَعْدَ وِفَاتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حِجَّةً مِنْ حِجَجِي»

امت من امام حسین را می‌کشند. هرکسی بعد از وفاتش او را زیارت کند، خداوند یک حج از حج‌های
من در پرونده اعمال او می‌نویسد.

کامل الزیارات، نویسنده: ابن قولویه، جعفر بن محمد، محقق / مصحح: امینی، عبد الحسین، ص ۶۸،

ح ۱

بنابراین این عبارات ما را فریب ندهد.

پرسش ۴:

با توجه به اینکه در اسلام گریه بر غیر از امام حسین سفارش نشده است، چه لزومی دارد برای شهادت بقیه اهل بیت ذکر مصیبت تشکیل بدهیم؟! با توجه به اینکه تاریخ درستی از شهادت اهل بیت در دست نداریم.

پاسخ:

عزیز من چنین نیست. شاید بنده پنجاه روایت برای شما بیاورم که هرکسی قطره اشکی در مصائب ما اهل بیت بریزد، شفاعت ما شامل حال او خواهد بود.

اصلاً بحث مصائب اهل بیت (علیهم السلام) است و تنها مصائب امام حسین نیست. همانطور که در روایت هم داریم:

«مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ أَوْ مَسْمُومٌ»

كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر، نویسنده: خزاز رازی، علی بن محمد، محقق / مصحح:

حسینی کوهکمری، عبد اللطیف، ص ۱۶۲، باب ما روی عن الحسن بن علی عن رسول الله ص فی

النصوص على الأئمة الاثني عشر ص

طبق این روایت امیرالمؤمنین می‌فرماید: ما اهل بیت یا با شمشیر به شهادت می‌رسیم و یا به وسیله سم به شهادت می‌رسیم.

به شهادت رسیدن ائمه اطهار اتفاقی و اجماعی است و می‌توان گفت یکی از ضروریات مذهب شیعه است. نه تنها شیعه بلکه اهل سنت هم معتقدند ائمه اطهار توسط خلفای عصرشان به شهادت رسیدند.

اگر شما به کتاب «کافی» مراجعه بفرمایید، در رابطه با شهادت تک تک ائمه اطهار صحبت کرده است. «مرحوم کلینی» هم در خصوص ولادت ائمه اطهار مطالبی آورده و هم در خصوص شهادت آن بزرگواران مطالبی آورده است.

اگر به کتاب «مقاتل الطالبین» مراجعه بفرمایید، «ابن شهر آشوب» مفصل مطالبی در خصوص شهادت ائمه اطهار آورده است. «مرحوم شیخ مفید» در کتاب «الإرشاد» از ائمه اطهار شروع کرده و زندگانی و شهادت ائمه اطهار را مفصل مطرح کرده است.

ان شاء الله خداوند بر توفیقات همه عزیزان ما بیفزاید و به همه ما و شما توفیق بندگی و عبادت و ترک معصیت عنایت کند.

از خداوند متعال می‌خواهیم ما و شما را از یاران خاص حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و از سربازان فداکار و مخلص قرار بدهد و توفیق شهادت در رکابش را نصیب همه ما بگرداند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته